



قلعه‌های باشکوه

به بهانه ثبت جهانی قلعه الموت نگاهی داریم به کتاب **آشپانه عقاب** پیترویلی که در آن به معرفی قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه پرداخته است

میراث

سمیرا قزوینی

روزنامه‌نگار

پایگاه الموت و سرپرستی ۱۴ فصل کاوش در این منطقه را بر عهده داشته است، اما این ثبت جهانی علاوه بر کاوش‌های ۲۵ سال گذشته نتیجه فعالیت‌ها و تحقیقات پژوهشگران و کاوشگرانی است که در چند دهه اخیر بخشی از قلعه‌های اسماعیلیه در ایران و سوریه معطوف کرده بودند. پیترویلی، یکی از صاحب‌نظران بین‌المللی در مورد تحقیقات و اقدامات خود را به این موضوع معطوف کرده بودند. پیترویلی، یکی از صاحب‌نظران بین‌المللی در مورد قلعه‌های اسماعیلیه در ایران و سوریه است و سال‌های زیادی از عمرش را صرف کشف و تحقیقات در این حوزه کرد. ویلی عضو مؤسسه سلطنتی تحقیقات آسیایی و نیز عضو مؤسسه سلطنتی جغرافیایی بود که سال ۲۰۰۹ درگذشت. ویلی کتاب «قلعه‌های حشاشین» را سال ۱۹۶۳ منتشر کرد و چندین مقاله در دایرةالمعارف ایرانیکا در مورد آثار تاریخی اسماعیلیه نوشت و کتاب «آشپانه عقاب: قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه» که به گفته خودش جامع تحقیقات و آثار قبلی‌اش است، سال ۲۰۰۵ منتشر شد و انتشارات فرزنان آن را با ترجمه فریدون بدره‌ای. که سابقه‌ای طولانی در ترجمه آثار مربوط به اسماعیلیه دارد. منتشر کرده است.

الموت میان تاریخ و افسانه

قلعه الموت با نام حسن صباح گره خورده است؛ شخصیتی که زندگی‌اش میان تاریخ و افسانه قرار دارد، اما مسلم اخیر به سرپرستی حمید چوپک است. اسماعیلی در مصر، به ایران بازگشت،

سایه‌روشن دثری تاریخی

نگاهی به کتاب‌های قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز و میمون‌دژ الموت

جایگاه الموت را می‌سجد: از موقعیت طبیعی آن سخن می‌گوید، به آثار قدما و سفرنامه‌نویسان ارجاع می‌دهد و سپس به وجه تسمیه قلعه می‌پرداز. این روش، کتاب را از یک گزارش توصیفی ساده فراتر می‌برد و آن را به متنی پژوهشی و مرجع بدل می‌کند. در ادامه، ستوده تاریخ قلعه را به‌تفصیل دنبال می‌کند و بنای آن را، بر پایه اسناد و شواهدی که نقل می‌کند، در اوایل قرن چهارم هجری یا حتی پیش‌تر می‌داند. پس از آن، به تاریخ اسماعیلیه و دوره حکمرانی آنان براین دژ و دیگر دژهای وابسته به آن می‌پردازد؛ از جنگ و گریزها، مقاومت‌ها و سرانجام سقوط قلاع به دست مغولان سخن می‌گوید و بعد، به روزگار صفویان می‌رسد؛ زمانی که قلعه، به تعبیر او، به زندانی سیاسی تبدیل شده و از آن با عنوانی درخرو تأمل یاد می‌کند: «زندان فراموشان».

ستوده سپس از خود قلعه و فضای پیرامون آن سخن می‌گوید؛ جایی که نگاه او از تاریخ سیاسی به جغرافیای زیسته و ملموس منطقه گسترش می‌یابد. او می‌نویسد: «قلعه الموت در ۵۰۰ متری شمال‌شرقی آبادی گازخان است.» سپس از آب منطقه، کشاورزی و بافت روستایی آن می‌گذرد و به بنایی در جنوب قبرستان اشاره می‌کند؛ بنایی مربع‌مستطیل، ساخته‌شده از سنگ سبز و کج، و با دو بخش مجزا. ستوده متن کتیبه را نیز نقل می‌کند و از تجدید بنای مسجد در زمان سلطان العادل سید راکزن کیا ابن سید المغفور شمس الدنیا والدین محمد الحسینی یاد می‌کند.

این دقت در ثبت جزئیات، از ویژگی‌های برجسته کتاب است. در ادامه، او به معماری بنا و موقعیت طبیعی قلعه می‌پردازد و می‌نویسد قلعه الموت بر سر کوهی قرار دارد که اطراف آن پرتگاه‌های عظیم و پردگی‌های عجیب

دارد. این توصیف، هم قدرت دفاعی قلعه را روشن می‌کند و هم نسبت آن را با طبیعت سخت‌گذر البرز آشکار می‌سازد. اهمیت این کتاب فقط در موضوع آن نیست، بلکه در شیوه شکل‌گیری آن نیز هست. همان‌گونه که در روایت زندگی پژوهشی ستوده آمده، او با روحیه کوهنوردی که از جوانی با هم‌مراه بود، پایه این پژوهش را می‌ریزد و مسیر اندازه‌گیری‌های دقیق، مشاهده مستقیم و تکیه بر پژوهشی هوشمندانه، به کتاب او اعتباری ویژه می‌بخشد.

جست‌وجوی هویت و جایگاه دقیق میمون‌دژ

ثبت الموت در فهرست میراث جهانی یونسکو، فقط ثبت یک پهنه جغرافیایی نیست؛ ثبت لایه‌ای از حافظه تاریخی ایران است؛ جایی که سنگ، روایت،



قلاع اسماعیلیه

در رشته‌کوه‌های البرز

- نویسنده: **منوچهر ستوده**

- انتشارات: **دانشگاه تهران**

- تعداد صفحات: **۲۷۹ صفحه**

آسانی می‌توانند تحریف کنند و اسطوره‌ها و افسانه‌های سخفیف و بی‌پایه‌ای درباره آن ترویج دهند. با گذشت قرن‌ها این افسانه‌ها شاخ و برگ بیشتری پیدا کردند تا اینکه به صورت واقعیت‌های پذیرفته‌شده حتی از سوی محققان و دانشمندان دانشگاهی درآمدند. پیترویلی در پیش‌گفتار «آشپانه عقاب» درباره اولین آشنایی غربی‌ها با اسماعیلیان می‌نویسد، بیشتر دنیای مغرب‌زمین، اولین بار در نتیجه انتشار کتاب «توصیف جهان مارکوپولو» به وسیله روستنچولو پیزایی، با آنها آشنا شدند. اگر چه فرانسس وود در کتاب «آپا مارکوپولو به چین رفت؟» درباره صحت انتساب کتاب به مارکوپولو و روستنچولو، شک و تردید بسیار کرد اما به هر حال، توصیف مارکوپولو از حسن صباح به عنوان «استاد بزرگ آدمکشان (حشاشین)» و قلعه معظلم او در الموت و «باغ بهشت» معروف او، یکی از پردرنگ‌ترین اسطوره‌های شرقی است که از اروپای سده‌های میانه به دنیای معاصر رسیده است. بر اساس این روایت تحریف‌شده، حسن صباح در قلعه دوردست تسخیرناپذیری زندگی می‌کرد و در آنجا توطئه می‌چید که جهان اسلام را تسخیر کند، و در پی این رویا، فداییان متعصبی می‌فرستاد تا دشمنانش را از پای درآورند. داستان این گونه ادامه می‌یابد که این فداییان پیش از آن‌که با مأمورین مرگ‌بار خود را بیازانند اول بدان‌ها شرابی آمیخته به حبشیش می‌خوراندند.

به اعتقاد پیترویلی، یکی از علل دوام کرد. حسن صباح سال ۴۸۳ هجری قمری، برابر با ۱۰۹۰ میلادی، این قلعه را تصرف کرد. استحکامات آن را گسترش داد، انبارهای آذوقه و سامانه‌های ذخیره قلعه‌های اسماعیلی تبدیل کرد؛ شبکه‌ای که نزدیک به ۱۷۰ سال پابرجا ماند. این شبکه در واقع ستون فقرات نظام دفاعی اسماعیلیان بود که نمونه‌های برجسته‌ای از معماری نظامی بودند. به خاطر موضع سوق الجیشی قلعه‌ها و استفاده ماهرانه از منابع طبیعی، علی‌رغم موقعیت دشوار و صعب‌الوصول‌شان، آنها را از داشتن مواد به این ترتیب می‌توانستند یک محاصره طولانی را برای ماه‌های بسیار و حتی سال‌ها طاقت بیاورند. به اعتقاد ویلی، این قلعه‌ها علاوه بر اهمیت دفاعی با داشتن کتابخانه‌ها و تسهیلات برای مطالعات و بررسی‌های پیشرفته در علوم، فلسفه، کلام و هنرها به عنوان مراکز اداری ساقیه‌ای طولانی در ترجمه آثار مربوط به این ویژگی‌ها در قلعه‌های اسماعیلی، با تصور اروپاییان از قلعه متفاوت بود.

به خاطر همین تفاوت‌ها و البته اغراض سیاسی و نگاه استعماری اروپاییان، پتر ویلی معتقد است مسلمانان اسماعیلی سده‌های میانه، نمونه کلاسیک و کهنی هستند از اینکه چگونه تعالیم یک جنبش دینی و سیاسی را معاندان و دشمنان آن به

اثر گذاشت. اولین کتابی که سراسر به بررسی اسماعیلیان پرداخته بود در آلمان به قلم یک سیاستمدار و محقق اتریشی به نام یوزف فن هامر-پورگشتال، در سال ۱۸۱۸ نوشته شد. ویلی می‌نویسد، در قرن نوزدهم برای غربیان این فرصت پیش آمد که ساحت قلاع اسماعیلی را مستقیماً بررسی و کاوش کنند. اولین بررسی از این نوع را یک افسر بریتانیایی، کلنل مونتیت در پیش‌گرفت که از خرابه‌های استحکاماتی چند در نزدیکی الموت در سال ۱۸۳۲ دیدن کرد. او از شهر منجیل، مسیر شاهرود را در پیش گرفت و سرانجام به مدخل دره الموت رسید، ولی به روستای گازخان که قلعه الموت در بالای آن قرار گرفته است راه نیافت. به نظر می‌رسد که او قلعه شیروکه را در مدخل دره با قلعه اصلی الموت اشتباه گرفته بود. نویسنده «آشپانه عقاب» درباره تحقیقات متأخر غربی‌ها درباره اسماعیلیان می‌نویسد، «از سال‌های ۱۹۳۰ به بعد مقدار معتناهی نوشته‌های تحقیقی درباره تاریخ، عقاید، ادبیات و سنت‌های متفاوت اسماعیلیان انتشار یافت، اما به غیر از کتاب فریا استارک و پروفیسور ایوانف، و نیز یک یا دو مقاله به قلم سر اوریل اشتاین، دکتر لاورنس لاکهارت و دیگران درباره ساحت‌های منفرد قلاع اسماعیلی مانند الموت، لمسر و سمیران (شمیران) کوشش زیادی برای دادن شرحی مستوفی درباره قلعه‌ها و دژهای اسماعیلی که امروز باقی مانده است به عمل نیامد.»

مهارت‌های شگفت‌انگیز اسماعیلیان

پیترویلی در ادامه درباره چگونگی آشنایی‌اش با اسماعیلیه و شروع تحقیقاتش درباره قلعه‌های اسماعیلی می‌نویسد: «من اولین بار بعد از خواندن کتاب جناب و گیرای فریا استارک به نام «دره‌های حشاشین» به اسماعیلیان علاقه‌مند شدم. هنگامی که مدیر مدرسه بودم و عضو بالیول، بخت با من یاری کرد و دکتر سمیوئل م. استرن، عضو شورای مدیران آل سولز کالج آکسفورد را ملاقات کردم. وی یکی از دانشمندان برجسته اسلام‌شناس و بویژه متخصص در پژوهش‌های اسماعیلی بود. هنگامی که شنید من عوت سرچفری هریسون، سفیر بریتانیا در ایران را پذیرفته‌ام که تعطیلات تابستان ۱۹۵۱ خود را در تهران بگذرانم، مرا بر آن داشت که بگویم محل قلعه اسماعیلی میمون‌دژ را در نزدیکی الموت جایی که لشکریان مغول به فرماندهی هولاکوخان مقاومت اسماعیلیان را در ۱۲۵۶/۶۵۴ در هم شکستند و هنوز جای آن شناسایی نشده بود، پیدا کنم... در نتیجه دو مسافرت اولین به الموت که در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ صورت گرفت، هنگامی که گروه من این کامیابی را به دست آورد که برای اولین بار محل میمون‌دژ را تعیین کرد، من به یک رشته مسافرت‌های تحقیقاتی طولانی در ایران تا سال ۱۹۷۹ م/ ۱۳۵۸

هش... و پس از آن در سوریه، پاکستان و تاجیکستان تا سال ۲۰۰۰ پرداخت. من بایستی ۸ بار یا ۹ بار به الموت رفته باشم. توصیف‌هایی که من از قلعه‌های اسماعیلی در این کتاب آورده‌ام اغلب نتیجه چندین دیدار از یک محل است.» پیترویلی در ادامه، کار بررسی و تحقیقاتش را به چهار مرحله متمایز تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «نخست از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ کار من متوجه به تحقیقات آغازین در الموت و ناحیه رودبار، از جمله بررسی قلعه سمیران (شمیران) در حدود ۱۸ کیلومتری غرب منجیل بود. مهم‌ترین کار تحقیق در میمون‌دژ بود که از جهات بسیار دشوارترین و خطرناک‌ترین قلعه‌ای بود که من هرگز بدان وارد نشده بودم. در سال ۱۹۶۳ من کتاب «قلعه‌های حشاشین» را منتشر ساختم که کارهایی را که تا آن زمان انجام داده بودم شرح می‌دهد و توصیفی مشروح و معقول از قلعه‌های عمده



آشپانه عقاب

قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه

- نویسنده: **پیترویلی**
- مترجم: **فریدون بدره‌ای**
- انتشارات: **فرزان روز**
- تعداد صفحات: **۴۴۸ صفحه**
- قیمت: **۹۵۰۰۰۰ تومان**

این اسماعیلی در دره الموت ارائه می‌کند.

این کتاب تاکنون جامع‌ترین کتابی بوده است که درباره این موضوع نوشته شده است، هر چند در این میان من تا حدی داوری‌های ساده‌دلانه‌ای را که درباره خود می‌نویسد: «هنگامی که در ۱۹۷۷ به ایران بازگشتم، نتوانستم بررسی قلعه‌های اسماعیلی را در آنجا با عمق بیشتری ادامه دهم و محل بسیی از قلعه‌های دیگر را که بودن‌شان را انتظار نداشتم، تعیین کنم.» این کشفیات بر کل رهیافت پیترویلی به مطالعه اسماعیلیان نزاری و نزاع طولانی آنها برای استقلال در برابر تحقیقاتی پیترویلی در ایران پایان ششم و هفتم هجری (دوازدهم و سیزدهم میلادی) بر خاورمیانه حکم می‌رانند، اثر گذاشت.

«آشپانه عقاب» شامل دو بخش «ظهور و سقوط دولت اسماعیلی نزاری»، «قلعه‌های اسماعیلیان» و ۴ پیوست است. پیوست‌ها در درازنده توضیحاتی درباره سفرهای تحقیقاتی به سرپرستی مؤلف، فهرست قلعه‌ها و استحکامات قلعه‌های ساقیه‌نهاد اسماعیلی از دوره الموت و سکه‌های اسماعیلی از دوره الموت است. در این کتاب تعداد فراوانی لوح و نقشه هم برای نشان دادن مراکز اسماعیلیه در ایران و شام چاپ شده است.

مجیدی سپس راه‌های حمله به میمون‌دژ را برمی‌شمارد، از حاکمان و روند تاریخی دژ سخن می‌گوید و راه‌های دسترسی را نیز توضیح می‌دهد؛ راه‌هایی که به روایت او بسیار صعب‌العبور بوده‌اند. در ادامه به اردوگاه مغولان در الموت و رودبار اشاره می‌کند و دوباره به محور اصلی بازی می‌گردد؛ یافتن محل دقیق میمون‌دژ. در این بخش، با رجوع به متون پیشین و نشانه‌های پراکنده، مجموعه‌ای از ارجاعات و قرائن کنار هم چیده می‌شود تا مسأله جایگاه از حد گمانه‌زنی بیرون بیاید و صورت استدلالی پیدا کند.

نکته مهم در شیوه بحث نویسنده این است که برای تعیین هویت میمون‌دژ، ناچار است نسبت آن را با قلاع مختلف به‌ویژه قلعه الموت روشن کند. او در میانه بحث، با پرداختن به قلعه الموت و انطباق خصوصیات و نشانه‌ها، نتیجه می‌گیرد که میمون‌دژ یکی تواند همان قلعه الموت باشد. دقت تفکر و حفاظت او در این تفکیک، استاندارد به گزارش جوینی در «تاریخ جهانگشا» است؛ آنجا که می‌نویسد: «پس از فتح میمون‌دژ و دژ برپایی ۹ روز جشن به مناسبت فتح آن قلعه در شهرک الموت، هلاکو حمله به قلعه الموت را آغاز کرد.» این عبارت، اگر مبنا قرار گیرد، به‌روشنی نشان می‌دهد میان فتح میمون‌دژ و حمله به قلعه الموت تفکیک وجود دارد.



میمون‌دژ الموت

- نویسنده: **عنایت‌الله مجیدی**
- انتشارات: **بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار**
- تعداد صفحات: **۳۶۷ صفحه**

تاریخی را فراهم می‌کنند.